



اشاره:

در شماره قبل اشاره شد که در روز قیامت به تناسب اعمال نیک و بد، چهره‌ها و حالت‌هایی به عنوان نماد اعمال ظاهر می‌شود. در آن مقاله از چهره‌های سفید و نورانی و چهره‌های سیاه بحث شد. در این قسمت به چشم‌های گریان به عنوان نماد بد حالی و بد بودن پرونده و اعمال و به چهره‌های خندان و شاد به عنوان نماد انسان‌های پاک و وارسته پرداخته می‌شود.

مقدمه

قرآن کریم به صورت کلی به این حالت اشاره دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ»^۱ «برخی صورتها در این روز نورانی و روشن، خندان و خوشحال است.» در ادامه می‌فرماید: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ»^۲ «و صورت‌هایی در آن روز غبار آلوده

۱. عبس / ۲۸ و ۳۹.

۲. همان / ۳۰ - ۴۲.

است و دود تاریکی آنها را پوشانده است. آنان همان کافران فاجرند.»

قرآن مشخص نکرده چهره کدام انسانها خندان است و در بخش دوم فقط فرموده که فاجران و کافران در آن ناراحت و گریان‌اند؛ ولی بیان نفرموده که گناه آنها از چه نوع گناهایی بوده است. در آیه دیگر نیز به صورت کلی به جهنمی‌ها دستور می‌دهد که امروز بسیار گریه کنید و کم خنده کنید. در واقع این امر، بیانگر حالت واقعی آنها است که در آن روز جز گریه کاری ندارند:

﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱ «از اینرو آنها باید کم‌تر بخندند و بسیار بگریند [چرا که آتش جهنم در انتظارشان است]، این، جزای کارهایی است که انجام می‌دادند.» ولی در روایات در عین حالی که به صورت کلی می‌فرماید: از

قول رسول خدا ﷺ: «كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْبَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا...»^۲ همه چشمها در روز قیامت گریان‌اند، جز...» در مواردی نیز به صورت خاص اشاره فرموده است که کدام گناه باعث ناراحتی و گریان بودن دیدگان می‌شود و چه عملی زمینه خوشحالی و خندان بودن انسان را فراهم می‌کند.

چهره‌های گریان

۱. همه مردم جز موارد استثنا

پیش‌تر اشاره شد که در آن روز، همه مردم گریان‌اند ﴿كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْبَةٍ﴾^۳ علت این گریه، اموری می‌تواند باشد:

الف. پشیمانی از گذشته و دیدن آثار گناه و اینکه عمر را بیهوده از دست داده‌اند، عامل گریه برای آنها است.

ب. شدت عذاب و گرفتاریهای قیامت و همین‌طور دقتهایی که در آنجا به کار می‌رود.

۲. وسائل الشیعه (۲۰ جلدی)، حر عاملی،

آل‌الیهت، بیروت، ج ۷، ص ۷۵.

۳. همان.

۲. گناه با خنده

بسیارند کسانی که گناه را انجام می‌دهند؛ ولی بدمستی و خنده‌های مستانه نیز در کنار انجام گناه دارند؛ مثلاً به ناموس مردم متلک می‌پرانند با قهقهه و خنده‌های بلند، اشخاص محترم و متدین را آزار می‌دهند با خنده و تمسخر، آشکارا روزه خواری می‌کنند با شادابی و نشاط، ترانه گوش می‌دهند با بد مستی و شادی. این گونه افراد باید بدانند که باطن این خنده‌ها، گریه‌هایی است که در روز قیامت آشکار و نمودار می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «مَنْ أَذْتَبَ ذَنْبًا وَهُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ بَاكٍ؛^۱ کسی که گناهی را با خنده مرتکب شود، داخل آتش می‌شود، در حالی که می‌گرید.» از این روایت معنای «مَنْ يَفْعَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۲؛ هر کس یک ذره شری انجام دهد، آن را می‌بیند» به خوبی روشن

می‌شود. در آن روز نه تنها اعمال مجسم می‌شود و انسان، آن را می‌بیند؛ بلکه حالت‌های انجام گناه نیز به تصویر کشیده می‌شود؛ از جمله اینکه گناه را با حالت عادی انجام داده است و یا با خنده و قهقهه؛ در صورت دوم، نماد آن، گریه‌های روز قیامت به ویژه لحظه ورود به جهنم است.

۳. پیشقدمی در گناه

دستور قرآن این است که در کارهای خیر پیشقدم باشید: «سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»^۳؛ «و برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان شتاب کنید.» پس فرد باید از گناه دوری کند و یا دست کم پیشقدم نباشد؛ و گرنه روز قیامت به سبب همین پیش قدمی، چشم‌هایش گریان خواهد بود؛ چون ممکن است عذاب نیز زودتر از دیگران به سراغ او آید و یا ممکن است به دلیل پیشقدمی، عذاب او سخت و شدید باشد؛ از اینرو چشم گریان خواهد داشت. از امام علی علیه السلام

۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۰۴.

۲. زلزال / ۸.

۳. آل عمران / ۱۳۳.

نقل شده است که: «كَانَ يَقُولُ أُسْرِعْكُمْ إِلَى الْخَطِيئَةِ أُسْرِعْكُمْ ذَمْعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ همیشه می فرمود: پیشقدم ترین شما به سوی خطا [و گناه] زودتر از دیگران در روز قیامت اشک خواهد ریخت.»

پیشقدمان، زودتر به گریه می افتند؛ چون عامل تشویق دیگران به گناه می شوند و راه را برای دیگران نیز باز می کنند.

۴. نگاه به نامحرم

امام صادق علیه السلام فرمود: «كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةَ عَيْنٍ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۲ تمام چشمها در روز قیامت گریان اند، جز سه گروه: یکی چشمی که بر

حرامهای الهی بسته شده است و به نامحرم نگاه نکرده است.»

مفهوم روایت، این است که چشمی که به نامحرم نگاه کرده است، گریان باشد؛ چون تحت عام «كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْيَةٍ» باقی می ماند.

نگاه به نامحرم آنچنان مورد غضب الهی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْرَرًا بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ تَعَالَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۳ هر کسی چشم خود را از نگاه به زن نامحرم پر کند، خداوند در روز قیامت او را در حالی محشور می کند که در چشمهای او میخی از آتش وجود دارد [و او را با همین حالت نگاه می دارد] تا وقتی که بین مردم داوری کند؛ آن گاه امر می کند که او را به داخل آتش بیندازند.» قطعاً این حالت بر ناراحتی

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق. ۱۹۹۱ م، ج ۱۱، ص ۳۲۶، حدیث ۶ (۱۳۱۶۶).

۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۲ و من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۹۴۲.

۳. بحار الاتوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۷، ص ۲۱۳.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «بِئْتِهِيَ
 أَوْلِيَاءُ اللَّهِ بَعْدَ مَا يَفْرُغُ مِنَ الْحِسَابِ إِلَيَّ
 نَهْرٌ يُسَمَّى نَهْرَ الْحَيَّوَانِ فَيُغْتَسِلُونَ فِيهِ وَ
 يَشْرَبُونَ مِنْهُ فَتَبْيِضُ وُجُوهُهُمْ فَيَذْهَبُ عَنْهُمْ
 كُلُّ أَدَى وَقَذَى وَغَثٍ ثَمَّ يُؤْمَرُونَ
 بِدُخُولِ الْجَنَّةِ فَمِنْ هَذَا الْمَقَامِ يَنْظُرُونَ إِلَيَّ
 رَبِّهِمْ كَيْفَ يُحْسِبُهُمْ؟^۳ اولیای الهی بعد از
 تمام شدن حساب به نهری به نام
 حیوان^۴ می‌رسند، پس در آن غسل
 می‌کنند و از آن می‌نوشند، آن گاه
 چهره‌هایشان نورانی می‌شود و هر چه
 ناراحتی و آلودگی و سختی است، از
 آنها می‌رود. آن گاه دستور داده می‌شود
 که وارد بهشت شوند و از اینجا نگاه
 می‌کنند که چگونه خداوند به آنها
 ثواب می‌دهد.» در مجمع البیان آمده
 است که خداوند چهره مؤمنان را
 درخشان و خندان قرار می‌دهد تا

در رنج او - که نمود آن گریه است
 - افزوده می‌شود.

چهره‌های شاد و خندان

در قرآن کریم، سه آیه درباره
 صورتهای خندان آمده است که باید
 بررسی شود:

۱. «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا
 نَاطِرَةٌ»^۱ «صورت‌هایی در آن روز
 شاداب و مسرور است و به
 پروردگارشان می‌نگرند.»

در مجمع البیان «ناضِرَةٌ» به معنای
 «ناعمة، بهجت و حسنة؛ متنعم، خوشحال
 و نیکو و مسرور» آمده است.^۲ در
 اینجا مشخص نشده است کسانی که
 چهره خوشحال و خندان دارند چه
 کسانی هستند؟ روایات، بارزترین
 مصداق آن را اولیای الهی و دوستان
 خدا دانسته‌اند.

۳. تفسیر صافی، فیض کاشانی، مؤسسة الاعلمی
 للمطبوعات، بیروت، ج ۵ ص ۲۵۶ و
 بحارالانوار، ج ۴ ص ۳۲.
 ۴. از ریشه حیات و زندگی.

۱. قیامة / ۲۲ و ۲۳.
 ۲. مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، دارالمعرفة،
 بیروت، ج ۹ - ۱۰، ص ۶۰۱.

علامتی باشد برای مردم و ملائکه بر اینکه آنها رستگارند.^۱

جمع روایت قبلی و سخنان مؤلف مجمع البیان، این است که اولیای الهی، یعنی همان مؤمنان و شیعیان در روز قیامت شاد و خندان و برخوردار از چهره‌های نورانی هستند.

۲. «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُنِيرَةٌ ضَاهِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ»؛^۲ «صورت‌هایی در آن روز گشاده و نورانی و خندان و مسرور هستند» در ادامه آمده است: «و صورت‌هایی در آن روز غبار آلوده است و دود تاریکی آنها را پوشانده است. آنها همان کافران فاجرند.»

در توضیح آیه می‌خوانیم: تعبیر وجوه به سبب این است که رنگ صورت، بیش از هر چیزی می‌تواند، بیانگر حالات درونی باشد؛ هم

ناراحتیهای فکری و روحی و هم ناراحتیهای جسمانی. در روز قیامت، گروهی خندان و مسرورند، چهره‌هایشان گشاده و نورانی است و روشنایی ایمان و پاکی عمل در صورت آنها موج می‌زند. برعکس، گروهی هستند که تاریکی کفر و زشتی اعمالشان در چهره‌هایشان نمایان است؛ گویی گرد و غبار سیاهی بر صورتشان نشسته است، ... و آثار غم و اندوه و رنج و درد از صورت‌هایشان می‌بارد.^۳

۳. «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ»؛^۴ «چهره‌هایی در آن روز، شاد و باطراوت‌اند.»

در آیه دیگر دارد: «تَفَرُّفٌ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ»؛^۵ «در چهره‌های آنها طراوت و خوشحالی نعمت را مشاهده می‌کنی.»

۱. «يَجَلُّ اللَّهُ سِنِّيَّتَهُ وَجُوهَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَحْسِنِينَ لِلرَّوَابِ بِقُدْرَةِ الصَّكَّةِ عَلَانَةً لِلْعَالَمِينَ وَالْمَلَائِكَةِ عَلَى أَنَّهُمُ الْقَائِمُونَ.»
مجمع البیان، شیخ ابوعلی طبرسی، ج ۹ و ۱۰، ص ۶۰۱ و بحارالتواریخ، ج ۷، ص ۱۶۷، باب ۸.
۲. عبس / ۲۸ و ۲۹.

۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۶، ص ۱۶۱.
۴. غاشیة / ۸.
۵. مطففین / ۲۲.

۱. برآوردن نیاز نیازمندان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «در شب معراج دیدم بر درب دوم بهشت نوشته است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَحِيلَةُ السُّرُورِ فِي الْأَخِرَةِ أَرْبَعُ خِصَالٍ مَسْنَعُ رُءُوسِ الْيَتَامَى وَالتَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ وَ السَّقْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ التَّقَدُّ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ؛^۱ خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خدا و علی ولی خداست. هر چیزی راه و چاره‌ای دارد، و راه و چاره خوشحال بودن در آخرت چهار [عمل و] خصلت است: دست [نوازش] بر سر یتیم کشیدن و مهربانی با بیوه زنان و کوشش برای انجام حوائج مؤمنان و رسیدگی به حال فقرا و مساکین.»

اهل بیت ﷺ و برآوردن حاجت

در شأن نزول سوره دهر نقل شده است که حسنین ﷺ دچار تب شدند. حضرت امیر مؤمنان علی ﷺ و حضرت زهرا ﷺ نذر کردند که هر گاه حال فرزندانشان خوب شد، به

تفسیر صافی «ناعیمة» را به معنای «ذات بهجت» یعنی خوشحالی معنا کرده است.^۱ المیزان نیز آن را به معنای بهجت و خوشحالی گرفته است.^۲ مجمع البیان نیز، معنای نعمت و سرور و شادی را آورده است.^۳ در روایتی از تفسیر قمی نقل شده که مراد از «وجوه ناعمه» و چهره‌های شاد، پیروان علی ﷺ است.

در مجموع می‌توان گفت، شیعیان علی ﷺ یا همان مؤمنان و اولیای الهی در روز قیامت، شاد، سرور و خندان‌اند. در برخی روایات به مصداق چهره‌های خندان تصریح شده است و در برخی نیز اشاراتی بر این مطلب داریم که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۲. المیزان، علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

۳. مجمع البیان، ص ۷۲۷.

۴. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۵. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۲.

این آیات نشان می‌دهد که بر آوردن نیاز حاجتمندان، افزون بر بهشت رفتن، عامل شادی است.

۲. شاد کردن دیگران

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی روز قیامت برپا شود و مؤمن از قبر به پا خیزد، همراه وی مثالی (ملکی) از قبر خارج می‌شود و به او می‌گوید: به تو بشارت می‌دهم و کرامت و لطف خدا و خوشحالی برای توست و داخل بهشت خواهی شد و خوشحال باش و اصلاً ناراحت و نگران نباش و همراه او حرکت می‌کند. پس در بین راه هر چیز ترسناکی را مشاهده کند، آن همراه، دوباره به او بشارت می‌دهد و می‌گوید: نترس، این عذابها برای دیگران است و هر خیر و خوبی که این مؤمن در قیامت و محشر مشاهده کند، به او می‌گوید: اینها برای توست و مرتب به او بشارت و دلداری می‌دهد تا در پیشگاه الهی توقف کند. آن گاه به او می‌گوید: به تو بشارت می‌دهم که اکنون خداوند

شکرانه آن، ۳ روز را روزه بگیرند. پس از شفا یافتن آن دو عزیز، اهل بیت روزه گرفتند، و در هر سه شب، هنگام افطار به ترتیب، مسکین، یتیم و اسیر به درب خانه آنها آمدند و درخواست کمک کردند. اهل بیت عصمت علیهم السلام غذای افطاری خود را به آنان دادند و با آب افطار کردند. در این هنگام، سوره دهر نازل شد.^۱ در بخشی از آن می‌خوانیم: «إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرِجَالِهِمُ اللَّهُ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا»^۲ [و می‌گویند] ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگاران بیمناکیم، در آن روزی که عبوس و سخت است. [به سبب این عقیده و عمل] خداوند، آنان را از شر آن روز ننگه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد؛ در حالی که غرق شادی و سرورند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۲۳.

۲. انسان/ ۹-۱۱.

دیگران در قیامت مجسم می‌شود و شادی انسان را فراهم می‌سازد.

۳. زیارت و خنداندن دیگران

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ بِأَهَى اللَّهِ بِهِ مَلَائِكَتُهُ حَتَّى إِذَا لَقِيَهُ نَادَاهُ مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ طِبْتَ وَ طَابَ مَمْسَاكَ حَتَّى إِذَا حَدَّثَهُ قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكِينَ أَكْتَبْنَا لَهُ عَمَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا كُلَّهُمْ مُجْتَهِدٌ فِي طَاعَتِي قَدْ أَهْرَيْقُ دَمَهُ فِي سَبِيلِي حَتَّى إِذَا ضَاخَكَ قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ أَشْهَدُكُمْ عِيَادِي أَنِّي أَضْحِكُهُ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُهُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ^۱» هر کس برادر [مؤمن] خود را برای خدا زیارت کند، خدا در برابر ملائکه به این شخص مباحثات کند [که عجب بنده خوبی دارم] تا زمانی که او را ملاقات کند، فرشته‌ای از آسمان ندا می‌دهد: پاکیزه‌ای و این رفتنت [به زیارت برادر مؤمن] مبارک و پاکیزه است. وقتی که با او سخن گوید، خداوند به دو ملک می‌فرماید: ثواب اعمال هفتاد پیامبر، را برای او بنویسید که در راه

دستور داد که داخل بهشت شوی و وی را به بهشت راهنمایی می‌کند. پس انسان مؤمن به او می‌گوید: خدا تو را رحمت کند، تو کیستی که من را خوشحال کردی و از همان لحظه ای که از قبر خارج شدم، من را راهنمایی کردی و با من مانوس شدی و از جانب پروردگار برایم خبر آوردی که به من اجازه دادند داخل بهشت شوم. آن مثال می‌گوید: «أَنَا السَّرُورُ الَّذِي كُنْتُ تُدْخِلُهُ عَلَيَّ إِخْوَانِكَ فِي الدُّنْيَا خُلِقْتُ مِنْهُ لِأَبْشُرِكَ وَ أُونِسَ وَ وَحْشَتِكَ؛ من، همان سرور و خوشحالی هستم که در دنیا بر برادر مؤمن خود فراهم کردی. من از همان سرور و خوشحالی آفریده شدم تا به تو بشارت بدهم و وحشتت را برطرف کنم.»^۱ این روایت و امثال آن نشان می‌دهد که شاد کردن دل

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۱۶۷ و مسائل الشیعه، حر عاملی، آل البیت، قم، ۱۳۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۳۵۲ مستدرک، ج ۱۲، ص ۳۹۵ و بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۷.

۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ج اول، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۰، ص ۳۸۳.

این مرکبها سوار می‌شوند و در مقابل عرش الهی در بهترین مکان توقف می‌کنند. «وَالنَّاسُ يَهْتُمُونَ وَيَقْتُمُونَ وَ يَخْزَتُونَ وَ هُمْ يَا كَلْبُونَ وَ يَشْرَبُونَ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَوْلِيكَ شِيَعَتِكَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ»^۱ در حالی که مردم گرفتارند و غمناک و ناراحت‌اند؛ ولی آنها [خوشحال‌اند و] می‌خورند و می‌نوشند. پس علی عليه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آنها چه کسانی هستند؟ پس فرمود: آنها شیعیان تو و تو امام آنها هستی.»

در این حدیث، لفظ شادی و خندان برای شیعیان نیامده است و از تقابل بین شیعیان و دیگر انسانها که در غصه و ناراحتی به سر می‌برند، و حالت آنها که در حال خوردن و نوشیدن و لذت بردن هستند، می‌فهمیم که ایشان در حال نشاط و مسرورند.

در ذیل آیه شریفه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاكَّةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ»^۲ علی بن

طاعت من تلاش کرده و در راه من خونشان ریخته شده است زمانی که با آن برادر دینی بخندند [و او را بخنداند]. خداوند به ملائکه می‌فرماید: بندگان من، شما را شاهد می‌گیرم که من در روزی که صورتها سفید و سیاه شوند، من او را [خوشحال و] خندان می‌سازم.»

۴. دوستداران علی عليه السلام

کسانی که پیرو اهل بیت عليهم السلام و دوستدار آنها باشند، در قیامت شفاعت می‌شوند و عنایت آنها مشمولشان می‌شود و به این سبب، شاد و خندان‌اند؛ به ویژه دوستداران امیرمؤمنان، علی عليه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و چهره خندانی دارند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که عده‌ای از قبرهایشان خارج می‌شوند و به محشر می‌آیند؛ در حالی که صورت آنها از ماه سفیدتر است. پس ملائکه برای آنها مرکبهایی از نور می‌آورند و بر آن مرکبها پارچه‌ای از نور گسترده‌اند. افسار آن مرکب، زنجیری از طلاست و رکاب آن مرکب از زیرجعد است. پس آنها بر

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۸۵.

۲. عبس / ۴، ترجمه آن گذشت.

بسا ساعتی بردباری کردن باعث خوشحالی طولانی می‌شود و چه بسیار که لذتی آنی، غصه و ناراحتی طولانی را در پی داشته باشد.»

آری. صبر و تحمل، شیرینی و شادی دنیا و آخرت را در پی دارد؛ حافظ چه زیبا گفته است:

صبر کن حافظ به سختی روز و شب
عاقبت روزی بیسای کام را

* * *

این همه شهد و شکر کز سختم می‌ریزد
اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند

* * *

گرت چون نوح نبی صبر هست در غم طوفان
بلا بگردد و کام هزار ساله برآید
و مولوی گفته است:

صبر تلخ آمد، و لیکن عاقبت
میوه شیرین دهد پر منفعت

ابراهیم قمی نقل کرده است که مراد خداوند «الَّذِينَ تَوَلَّوْا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ تَبَرُّوا مِنْ أَعْدَائِهِ» کسانی هستند که [از دوستان امیر مؤمنان عليه السلام باشند و] ولایت او را پذیرفته و از دشمنان او برائت جسته باشند.»

۵. صبر و تحمل

صبر در مقابل مصائب، و بر انجام عبادات و طاعات و از همه مهم تر صبر در مقابل تمایلات و شهوات از دیگر عواملی است که زمینه خوشحالی انسان را در قیامت فراهم می‌کند:

آدم بن عیینه از ابی عمران هلالی کوفی نقل کرده است که از امام صادق عليه السلام شنید که می‌فرمود: «كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٌ قَدْ أُورِثَتْ فَرَحًا طَوِيلًا وَ كَمْ مِنْ لَذَّةٍ سَاعَةٌ قَدْ أُورِثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا»^۱ چه

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۲۱؛ تفسیر القمی،

علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، ج

۲، ص ۲۰۶ و بهار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۶، باب

۸

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۳ و الامالی،

شیخ مفید، المؤتمر للشيخ المفيد، قم، ۱۴۱۳ ق،